

نماز و طهارت

نویسنده:

شیخ عبد العزیز بن باز رحمۃ اللہ علیہ

و شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمۃ اللہ علیہ

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳ کیفیت نماز حضرت رسول ﷺ
۱۳ واجب بودن آدای نمازها در جماعت
۱۹ وضوء، غسل، و نماز
۱۹ وضوء
۱۹ چگونگی وضوء
۲۰ غسل
۲۰ چگونگی غسل:
۲۰ تیمم
۲۱ چگونگی تیمم:
۲۱ نماز
۲۱ کیفیت نماز
۲۵ امور مکروه در نماز
۲۵ اموری که نماز را باطل می کند
۲۶ مسائل در أحكام سجود سهو در نماز
۲۹ چگونگی طهارت شخص بیمار
۳۰ کیفیت نماز گزاردن شخص بیمار

کیفیت نماز حضرت رسول ﷺ

از عبدالعزیز بن باز به همه کسانی که دوست دارند همانند رسول کریم نماز را برپای دارند و به این سخن ایشان جامه عمل بپوشانند که فرمودند: «همانگونه که میبینید من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید»^۱.

۱- انجام وضوی کامل (وضوی کامل بگیرید): وچگونگی آن بهمان صورت است که خداوند امر فرموده است:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶].

معنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دستها را تا آرنج بشوئید، و سر خود را مسح کنید، و پاهای خود را تا قوزک (بجلك) بشوئید».

و حضرت رسول ﷺ فرمودند: «هیچ نمازی بدون طهارت قبول نمی‌شود»^۲.

۲- روی نمودن نمازگزار بسوی قبله: که همان کعبه است. در نتیجه نمازگزار در هر کجا که باشد با تمام بدنش بسوی قبله متوجه می‌گردد و انجام نماز مورد نظر را چه فرض باشد و چه نافله با قلبش نیت می‌کند، و این نیت را بر زبان نمی‌آورد. چون تلفظ نیت نماز غیر مشروع بوده، و هرگز نه حضرت رسول ﷺ و نه اصحاب ایشان ﷺ دست به انجام چنین عملی زده‌اند.

۱- «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» روایت بخاری.

۲- «لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ بِغَيْرِ طَهْرٍ» روایت مسلم.

سنت است که شخص، چه امام و چه منفرد، در مقابل خود ستره‌ای^۱ گذاشته و در پشت آن نماز بخواند.

۳- بر زبان راندن تکبیره الاحرام: که باید بگوید: «الله اکبر»، و نگاه خود را به محل سجود، یا سجده گاهش متمرکز سازد.

۴- آنگاه دست‌های خود را تا مقابل شانه‌هایش و یا گوشه‌هایش بالا میبرد.

۵- سپس دو دست خود را بر سینه‌اش می‌گذارد، و کیفیت آن بدین صورت است که کف دست راست را بر پشت دست چپ قرار می‌دهد. دلیل این عمل حدیثی است که از (وائل بن حجر) و (قیصه بن هلب الطائی) از پدرش رضی الله عنهما روایت شده است.

۶- سنت است که شخص دعای افتتاح^۲ را بخواند که به این صورت است:

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالنَّوْءِ وَالْبَرَدِ».

و اگر خواست می‌تواند بجای آن، این دعا را بخواند:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

و آنگاه می‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». و پس از آن سوره فاتحه را می‌خواند. چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز کسی که فاتحه کتاب را نخواند، قبول نخواهد شد»^۳.

۱- ستره: هر چیزی که نمازگزار جلوی خود نهد تا مانع مرور دیگران از جلوی نماز وی گردد ستره می‌نامند، حداقل ارتفاع ستره یک وجب می‌باشد، و می‌تواند ستون، دیوار و امثال آن را ستره خود قرار دهد.

۲- دعای افتتاح دعائیست که بعد از تکبیره الاحرام و قبل از خواندن سوره فاتحه در رکعت اول نماز خوانده می‌شود.

۳- «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» روایت بخاری و مسلم.

و پس از قرائت این سوره در نمازهای جهریه (نمازهایی که در آن امام سوره‌ها را به صدای بلند می‌خواند)، به صدای بلند «آمین» می‌گوید. و سپس قسمتی از قرآن را می‌خواند.

۷ - با گفتن تکبیر و در حالیکه دست‌هایش را تا مقابل شانه‌هایش یا گوشه‌هایش بالا آورده است به رکوع می‌رود. در این حالت، سر و کمر در یک خط قرار گرفته، و دستها در حالیکه انگشتان آن از هم باز هستند بر زانو قرار می‌گیرند. و شخص در رکوع خود آرام گرفته، و می‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». و بهتر است که این سخن را سه بار و یا بیشتر تکرار کند. و مستحب است که بر آن بیافزاید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

۸ - سپس چه شخص نمازگزار امام، و چه منفرد باشد، در حالیکه دست‌هایش را تا مقابل شانه‌ها یا گوشه‌هایش بلند کرده است سر از رکوع بالا می‌آورد و می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». و پس از قیام می‌گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ. مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».

و اگر بر آن، این دعا را بیافزاید نیز کار خوبی انجام داده است: «أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَمْنَعْ لِمَا أُعْطِيَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». چون این دعا در بعضی از احادیث صحیح از حضرت رسول ﷺ بثبوت رسیده است.

و اگر شخص نمازگزار مأوموم باشد، پس از سر برآوردن از رکوع «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» را تا آخر آن بر زبان میراند.

۹ - آنگاه تکبیر گفته و به سجده می‌رود. و در صورت امکان زانوهایش را قبل از دست‌هایش بر زمین می‌گذارد. و اگر انجام این عمل برای او با مشقت همراه بود، دست‌هایش را قبل از زانوان خود بر زمین می‌نهد. در حالت سجده، شکم انگشتان پا،

و همه انگشتان دو دست بسوی قبله و بر زمین قرار می گیرند، و بهم می چسپند. در این حالت هفت عضو بدن با زمین تماس دارند که از این قرارند:

پیشانی و بینی، دو دست، دو زانو، و شکم انگشتان دو پا و آنگاه می گوید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»، و این جمله را سه بار و یا بیشتر تکرار می کند.

و مستحب است که بر آن بیافزاید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

و همچنین در حالت سجده، مستحب است که شخص بر دعا بیافزاید چون رسول خدا ﷺ می فرماید: «اما در رکوع، پس خداوند را به عظمت یاد کنید، و اما در سجود، پس در دعا اجتهاد و کوشش کنید، چون نزدیک است که دعای شما مستجاب گردد».^۱ و همچنین در موضع دیگری فرمودند:

«نزدیکترین حالت بنده به پروردگارش، زمانی است که در حال سجده است. پس در دعای اکتار ورزید».^۲ (این دو حدیث را مسلم در صحیح خود روایت نموده است). و در این حالت برای خود و دیگر مسلمانان خیر دنیا و آخرت را مسئلت می کند، حال چه این نماز فرض و یا نفل باشد. در حالت سجده شخص بازوانش را از پهلو، شکمش را از رانها، و رانها را از ساق پاهایش جدا کرده، و ساعد دست را از زمین بلند می کند. چون حضرت رسول ﷺ می فرماید:

«در سجود خود معتدل باشید و هیچکدام از شما دست هایش را همانند سگان دراز نکند».^۳

۱۰ - آنگاه با گفتن تکبیر، سر از سجود بر می آورد و در حالیکه پاها از زانو تا شده اند پشت قدم چپش را بر زمین گذاشته و بر کف قدم چپ خود (قسمت گودی کف پا)

۱- «أَمَّا الرَّكُوعُ فَعَظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهَدُوا فِي الدُّعَاءِ فَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ» روایت نسائی.

۲- «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ، وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا مِنَ الدُّعَاءِ» روایت مسلم.

۳- «اغْتَدِلُوا فِي السُّجُودِ، وَلَا يَبْسُطْ أَحَدُكُمْ ذِرَاعِيَهُ انْبِسَاطَ الْكَلْبِ» روایت بخاری و مسلم.

مینشیند، و کف (شکم) انگشتان پای راست را بر زمین نصب می‌کند (در این حالت انگشتان پای راست به جلو تا می‌شوند). و دست‌هایش را بر قسمت مشترک ران و زانوها گذاشته و می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَارْزُقْنِي، وَعَافِنِي، وَاهْدِنِي، وَاجْبُرْنِي، وَارْفَعْنِي».

و در این جلوس (که به جلسه میان دو سجده معروف است) به اطمینان می‌رسد. یعنی آنقدر که همه فقرات بدن به مکان اولیه خود بازگردند، و این اطمینان، به اطمینان در اعتدال پس از رکوع بسیار شبیه است. این مسئله به این دلیل است که حضرت رسول ﷺ اعتدال پس از رکوع، و اعتدال میان دو سجده را کمی طول می‌دادند.

۱۱ - با گفتن تکبیر دوباره به سجده می‌رود، و همه اعمالی که در سجده اول انجام داده بود، انجام می‌دهد.

۱۲ - آنگاه با گفتن تکبیر سر از سجده برمی‌آورد، و همانند جلسه میان سجدتین، کمی درنگ کرده و جلوس خفیفی انجام می‌دهد. (این هیئت نشستن به جلسه استراحت معروف است) این جلسه بر طبق صحیح‌ترین قول از اقوال دوگانه علماء مستحب بوده و ترک آن هیچ اشکالی نداشته و دعای مخصوصی نیز ندارد. آنگاه برای رکعت دوم برمی‌خیزد. و در انجام این عمل، برای برخاستن خود، دست‌هایش را بر زمین تکیه می‌دهد. و پس از آن سوره فاتحه و بدنبال آن، هرچه از قرآن که برایش میسر باشد می‌خواند، و سپس همه اعمال رکعت اول را انجام می‌دهد.

شخص ماموم (کسی که به اقتدای امام جماعت نماز می‌خواند) هرگز اجازه ندارد که در انجام حرکات نماز از امام پیشی بگیرد. چون رسول خداوند ﷺ امتش را از این عمل بر حذر داشته است. و همچنین همراهی امام در انجام حرکات نماز نیز مکروه است. و سنت اینگونه حکم می‌کند که شخص، حرکات نماز را بلافاصله پس از امام، و پس از انقطاع صدای وی انجام دهد. چون حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «همانا قرار دادن امام برای این منظور است که به او اقتدا شود، پس عملی مخالف با او انجام ندهید. هنگامیکه

او تکبیر گفت، شما تکبیر بگویید، وهنگامی که گفت: سمع الله لمن حمده، شما بگویید: ربنا ولك الحمد، وهنگامیکه به سجده رفت، شما به سجده بروید»^۱.

۱۳ - در صورتی که نماز، همانند نماز صبح، جمعه و عیدین، دو رکعتی باشد، پس از برخاستن از سجده دوم، پشت قدم چپش را بر زمین گذاشته و بر کف آن می‌نشیند، و کف انگشتان پای راست را بر زمین نصب می‌کند. و دست راست را بر ران راست خود گذاشته و همه انگشتان دست راستش را به جز سبابه مشت می‌کند، و با انگشتان سبابه به نشانه توحید به جلو اشاره می‌کند. در صورتیکه انگشت کوچک، و انگشت نزدیک به آن را گره نموده و با انگشت شست و انگشت وسط خود حلقه‌ای بسازد و با انگشت سبابه به جلو اشاره کند نیز کار درستی انجام داده است. چون این دو صفت، هر دو از حضرت رسول ﷺ به ثبت رسیده است. و بهتر است که هرگاهی یکی از این دو عمل را انجام دهد. و دست چپ خود را بر قسمت مشترک ران و زانوی چپ خود گذاشته و دعای تشهد را می‌خواند، که از این قرار است:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». و سپس می‌گوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ». و از چهار چیز به خداوند پناه برده و می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

۱ - «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ، فَإِذَا كَبَّرَ، فَكَبِّرُوا، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، فَقُولُوا: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، فَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا». (متفق عليه).

و پس از آن، هر آنچه را که از خیر دنیا و آخرت بخواهد، از خداوند مسئلت می‌کند، و اگر برای پدر و مادرش و دیگر مسلمانان دعا کند، هیچ اشکالی ندارد. حال خواه این نماز نافله، و یا فرض باشد. و پس از آن به طرف راست و چپ خود سلام می‌دهد و می‌گوید: «السلام علیکم ورحمة الله. السلام علیکم ورحمة الله».

۱۴ - اگر نماز همانند مغرب، سه رکعتی، و یا همانند ظهر، عصر و عشاء چهار رکعتی باشد، شخص دعای تشهد یاد شده را می‌خواند، و بر حضرت رسول ﷺ صلوات می‌فرستد، و آنگاه با تکیه دادن بر زانوانش بر می‌خیزد، و دستهایش را تا مقابل شانه‌هایش بالا می‌آورد و می‌گوید: «الله اکبر».

و پس از آن همانگونه که گفته شد دست‌ها را بر سینه‌اش می‌گذارد. و فقط سوره فاتحه را می‌خواند.

و در صورتیکه در بعضی از اوقات در رکعت سوم و چهارم نماز ظهر، علاوه بر سوره فاتحه، قسمتی از قرآن را بخواند هیچ اشکالی ندارد. چون دلیل این عمل در حدیث اُبی سعید - رضی الله عنه - از حضرت رسول ﷺ به ثبوت رسیده است. و آنگاه پس از رکعت سوم نماز مغرب، و پس از رکعت چهارم نمازهای ظهر، عصر، و عشاء دعای تشهد را خوانده، و بر رسول خدا ﷺ صلوات می‌فرستد، و از عذاب جهنم، عذاب قبر، و فتنه مسیح دجال به خداوند پناه می‌برد. و همانگونه که گفته شد در دعاء اِکثار می‌ورزد.

اما حالت نشستن او در این مقام با حالت نشستن در انتهای نماز دورکعتی فرق دارد و از اینقرار است شکم انگشتان پای راست خود را بر زمین نصب می‌کند، و قدم چپ خود را از زیر ساق پای راستش می‌گذراند، و نشیمنگاه خود را بر زمین می‌نهد. این حالت نشستن، از حدیث «أبی حمید» نتیجه می‌شود. سپس به طرف راست و چپ خود سلام می‌دهد و می‌گوید: «السلام علیکم ورحمة الله. السلام علیکم ورحمة الله».

و پس از آن سه بار «أَسْتَغْفِرُ الله» می‌گوید، و ادامه می‌دهد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الشَّانُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

و پس از آن سی و سه بار «سبحان الله»، سی و سه بار «الحمد لله» و سی و سه بار «الله اکبر» گفته و سپس یکبار می گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

که روی هم رفته صدبار خواهد شد.

سپس «آیه الکرسی»، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را پس از نمازها قرائت می کند. و مستحب است که پس از نمازهای صبح و مغرب، این سه سوره را هر کدام سه بار تکرار کند. چون در این مورد، از حضرت رسول ﷺ حدیث صحیح به ثبوت رسیده است. و همچنین بدلیل ثبوت این ذکر از حضرت رسول ﷺ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

مستحب است که پس از نمازهای صبح و مغرب، آن را ده بار تکرار کند.

و در صورت اینکه شخص نماز گزار امام باشد، پس از گفتن سه بار «أستغفر الله» و گفتن: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، بسوی دیگر نمازگزاران برگشته، و روبروی آنان می نشیند، و پس از انجام این عمل دعاها و اذکار یاد شده دیگر را ادامه می دهد. دلیل این عمل نیز از احادیث زیادی که حدیث عائشه رضی الله عنها — در صحیح مسلم نیز یکی از آنها است، از رسول خداوند ﷺ به ثبوت رسیده است. و باید دانست که همه این اذکار سنت بوده و هیچکدام فرض نمی باشند.

بر همه مسلمانان، چه زن و چه مرد در حال اقامت (مقیم بودن)، مستحب است که برخواندن دوازده رکعت نماز محافظت کنند، که عبارتند از: چهار رکعت نماز قبل از نماز

ظهر، و دو رکعت بعد از آن، دو رکعت نماز بعد از نماز مغرب، دو رکعت پس از نماز عشاء، و دو رکعت قبل از نماز صبح. چون حضرت رسول ﷺ همواره در حالت مقیم بودن این نمازها را انجام می‌دادند، و این نمازها به «سنن رواتب» معروفند. و در صحیح مسلم از «أم حبیبه» - رضی الله عنها - از حضرت رسول ﷺ به ثبوت رسیده است که فرمودند: «کسی که در شبانه روزش صورت داوطلبانه (نافله) دوازده رکعت نماز بخواند، برای او خانه‌ای در بهشت بنا خواهد شد»^۱.

و امام ترمذی در روایت خود از این حدیث، این نمازها را به سنن رواتب تفسیر کرده است.

اما در حالت سفر، حضرت رسول ﷺ نمازهای سنت ظهر، مغرب، و عشاء را رها نموده، و همواره نمازهای سنت فجر و وتر را محافظت می‌نمودند. پس باید همواره ایشان ﷺ را الگوی اعمال خود دانسته و از ایشان تبعیت کنیم. و خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱] معنی: «همانا در رسول خدا برای شما الگوی نیکی است».

و حضرت رسول ﷺ فرمودند: «همانگونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید»^۲.

والله ولي التوفيق... وصلي الله وسلم علي نبينا محمد بن عبدالله وعلى آله وأصحابه وأتباعه بإحسان إلى يوم الدين.

۱- «مَنْ صَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، تَطَوُّعًا بُنِيَ اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (روایت مسلم).

۲- «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» روایت بخاری.

واجب بودن ادای نمازها در جماعت

از عبدالعزیز بن عبد الله بن باز به همه مسلمان، وفقهم الله لما فيه رضاه ونظمني وإياهم في سلك من خافه واتقاه. آمین.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، أما بعد...

به من ابلاغ گردیده است که بسیاری از مردم در ادای نمازها در جماعت سستی نموده و سهل انگاری برخی از علما را بهانه این عمل خود قرار می دهند. لذا واجب خود دانستم که خطورت این امر عظیم را برای برادران خود بازگو کنم.

هرگز جایز نیست که مسلمانان در مورد امری که خداوند بزرگ در کتاب خود، و رسول بزرگوار او در سخنانش بدینگونه آن را پر شان و عظیم خوانده اند سستی و سهل انگاری نموده و آن را کوچک و بی ارزش بپندارند. همانا الله جل شأنه در مواضع بسیاری از کتاب کریمش نماز را ذکر نموده، و با بزرگ داشتن منزلت آن بر محافظت و انجام این نمازها در جماعت امر کرده است. و نیز سستی و تنبلی در ادای آنان را از صفات منافقین برشمرده و می فرماید:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]

معنی: «بر نمازها و نماز وسطی محافظت نموده و برای خداوند به اطاعت قیام کنید». در نتیجه هنگامیکه یک شخص در ادای جمعی این نمازها با برادران خود تخلف نموده و باز می ماند چگونه می تواند به این قول خداوند عمل نموده، و از نمازهای مذکور محافظت کرده و آن را تعظیم کند؟ حال آنکه خداوند می فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]

معنی: «و نماز را برپا داشته و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

این آیه کریمه نصی در وجوب نماز جماعت، و مشارکت نمازگزاران در انجام نمازها می‌باشد. واگر منظور از این نص، فقط و فقط اقامه نمازها بود، با وجود امر به اقامه نمازها در اول آیه، ختم این آیه با جمله ﴿وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ مناسبت و معنایی نداشته و بسیار بیهوده جلوه می‌کرد. نیز خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتِهِمْ فِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَّرَائِكُمْ وَلَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتِهِمْ﴾ [النساء: ۱۰۲]

معنی: «(اگر در هنگام جهاد) در میان آنان بودی و نماز را برای آنان اقامه کردی، باید گروهی همراه با تو مسلح به نماز بایستند، و هنگامیکه این گروه نماز را تمام کردند، پشت شما قرار گرفته، و گروه دیگری که نماز نخوانده‌اند بیایند، و مسلح با تو نماز بخوانند، و بسیار مواظب باشند».

واگر قرار بود کسی از نماز جماعت معاف شود، سزاوار بود آنانکه در مقابل دشمن صف کشیده و با خطر تهاجم دشمن روبرو هستند معاف شوند، پس چون آنها معاف نشده‌اند این چنین استنباط می‌شود که ادای نماز جماعت از مهمترین واجبات است و جائز نیست کسی از آن تخلف نماید.

در صحیحین ابی هریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله اینگونه نقل می‌کند که فرموده‌اند: «قصدم کردم دستور اقامه نماز دهم. سپس شخصی را به امامت نمازگزاران بگمارم، نگاه همراه با مردانی که هیمة و هیزم به همراه دارند، به سوی کسانی که در نماز حاضر نمی‌شوند بشتابم، و خانه‌های آنان را به آتش کشم»^۱.

و در صحیح مسلم از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌شود که گفت:

۱- «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ، فَتُقَامَ، ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْتَلِقَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُرْمٌ مِنْ حَطَبٍ، إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأَحْرِقُ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ» (الحدیث) روایت بخاری و مسلم.

«ما را می دیدی که به جز شخص بیمار، و منافقی که نفاقش بر همگان آشکار بود، کس دیگری از نماز تخلف نمی ورزید، و حتی شخص بیمار با راه رفتن در میان دو مرد، به آنان تکیه می داد تا در نماز حاضر گردد»^۱.

و نیز می گوید:

«براستی رسول خداوند ﷺ، راه و روش رستگاری را به ما آموخت، و همانا ادای نماز در مسجدی که در آن اذان گفته می شود، از راه و روشهای رستگاری است»^۲. و نیز فرمود:

«کسی که دوست دارد فردا (روز قیامت) خداوند را با مسلمانی ملاقات کند، پس این نمازهایی که آنان را ندا می دهند، حفظ کند. چون براستی خداوند را رستگاری را بر نبی شما تشریح نموده است، و این نمازها از همان راههای رستگاری می باشند و اگر شما نیز همانند این متخلف در خانه های خود نماز بخوانید، سنت نبی خود را ترک گفته اید و اگر سنت نبی خود را ترک کنید، گمراه خواهید شد. و هیچ مردی نباشد که در خانه خود وضوء گرفته، و آن را به خوبی انجام دهد، و آنگاه به مسجدی از این مساجد بیاید، مگر اینکه خداوند برای هر قدمی که بر می دارد برای او حسنه ای نوشته، و او را یک درجه بالا برده، و از او سیئه ای پاک می کند. و همانا ما را می دیدی، که از این نمازها به جز منافقی که نفاق وی بر همه آشکار است، کس دیگری تخلف نمی ورزید. و همانا مردی را می آورند، درحالی که در میان دو شخص دیگر تکیه داده، تا اینکه در درون صف جای گیرد»^۳.

۱- «لَقَدْ رَأَيْنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنِ الصَّلَاةِ إِلَّا مُنَافِقٌ عِلْمَ نِفَاقِهِ، أَوْ مَرِيضٌ، إِنْ كَانَ الْمَرِيضُ لَيْمِثِي بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتَّى يَأْتِيَ الصَّلَاةَ» روایت مسلم.

۲- «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْهُدَى، وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَدَّنُ فِيهِ» روایت مسلم.

۳- «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَدَا مُسْلِمًا، فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَذِهِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ، فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُنَنَ الْهُدَى، وَإِنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى، وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ، لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ

و نیز در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت می‌شود که می‌گوید: مردی نابینا به سوی رسول خدا آمده و گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، من کسی را ندارم که مرا به مسجد بیاورد، پس آیا به من اجازه می‌دهی که در خانه خود نماز بخوانم؟» و رسول الله به او فرمودند: «آیا صدای اذان را می‌شنوی؟» مرد جواب داد: «آری». پس رسول خدا فرمودند: «آن ندا را اجابت کن».

واحدی که بر واجب بودن نماز جماعت، وجوب آدا نمودن آنان در مساجد دلالت دارند بسیارند. در نتیجه جهت پیروی از امر خداوند و رسولش، ودوری از آنچه خداوند و رسول او نهی نموده‌اند، و همچنین پرهیز از مشابهت با اهل نفاق که خداوند آنان را با صفاتی ناپسند یاد می‌کند، بر هر مسلمانی عنایت به این امر، مبادرت به سوی انجام آن، و وصیت نمودن دیگران یعنی فرزندان، خانواده، همسایگان، و سایر مسلمانان جهت برپا داشتن آن واجب است.

آری، از زشت‌ترین صفاتی که خداوند در آیات منزله خود به منافقین نسبت می‌دهد، سستی و تنبلی آنان در آدای نماز است، خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ خُنْدِ عُونََ اللَّهُ وَهُوَ خَدِ عُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُدْبَذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَتُولَاءٍ وَلَا إِلَى هَتُولَاءٍ ۚ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَنْ نَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾﴾ [النساء: ۱۴۲، ۱۴۳]

معنی: «همانا منافقین با خداوند مکر و حيله میکنند، و خداوند نیز با آنها مکر می‌کند، و چون به نماز آیند، از روی بی میلی و به حال کسالت نماز گزارند، به مردم ریا می‌کنند و به جز اندکی ذکر خدا نمی‌کنند. دودل و متردد باشند، نه به سوی مؤمنان یک دل می‌روند»

مِنْ هَذِهِ الْمَسَاجِدِ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً، وَيَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً، وَيَحُطُّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ، وَلَقَدْ رَأَيْنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النَّمَاقِ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ يَهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يَقَامَ فِي الصَّفِّ» روایت مسلم.

ونه به سوی کافران. و هر که را خداوند گمراه کند، هرگز نمی‌توانی برای او، راهی به سوی هدایت یابی.»

و نیز تخلف از ادای نمازها در جماعت، از اسباب ترک کلی آنها می‌باشد. و بر همگان معلوم است که ترک نماز یعنی کفر، گمراهی، و خروج از دایره اسلام. چون حضرت رسول ﷺ می‌فرماید:

«حداصل بین یک مرد، و کفر و شرک، ترک نماز است»^۱.

و همچنین فرمودند:

«عهد میان ما و آنان نماز است، پس هر کسی آن را ترک کند، کافر شده است»^۲.

و آیات و احادیثی که در تعظیم شأن نماز، و واجب بودن محافظت بر آن، و اقامه آن بر طبق شرع خداوند، و إخطار در مورد ترک آن آمده‌اند، بسیار زیاد، و بر همگان معلومند. در نتیجه واجب هر مسلمانی است که جهت اطاعت از خداوند سبحان و رسول او ﷺ و دوری از غضب خداوند و عذاب دردناک او، از ادای آنان در وقت معلومش محافظت نموده، و این نمازها را بر طبق شرع خداوند، و همراه با برادرانش و در جماعت، و در مساجد خداوند برپا کند.

و هنگامیکه حق هویدا شده و دلایل آن ظاهر گشت، هیچکس اجازه ندارد که به بهانه قول این و آن، آن را زیر پا گذارد. چون خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَ

خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ [النساء: ۵۹]

۱- «بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» روایت مسلم.

۲- «العَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» (روایت امام أحمد).

معنی: «بایستی اگر در امری کارت‌تان به گفتگو و نزاع کشد، به حکم خداوند و رسول باز گردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود».

و همچنین می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]
 معنی: «پس کسانی‌که از امر او مخالفت می‌کنند بایستی از اینکه فتنه‌ای گریبانگیر آن‌ها شود و یا دچار عذابی دردناک گردند بترسند».

و فواید و مصالح بسیار زیاد نماز جماعت بر هیچکس پنهان نیست، چون این نمازها باعث تعارف و تعاون مسلمانان بر نیکی و تقوا گشته، و سبب وصیت نمودن به حق، و صبر بر آن می‌گردد.

نماز جماعت باعث تشویق متخلف، تعلیم شخص نادان و جاهل، و به خشم آوردن أهل نفاق، و دوری از راه آنان گشته، و شعائر خداوند را بین بندگان آشکار ساخته، و همراه با قول و عمل بسوی خداوند سبحان می‌خواند...

خداوند من و شما را در راه رضای خود، و صلاح امر دنیا و آخرت موفق نموده، و ما را از شرور نفس و زشتیهای کردارمان، و همچنین مشابهت کفار و منافقین، در پناه خود گیرد، إنه جواد کریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه.

وضوء، غسل، و نماز

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم النبيين وإمام المتقين وسيد الخلق أجمعين نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين.

أما بعد...

بنده فقير بدرگاه خداوند «محمد بن صالح العثيمين» می گوید:
آنچه در پیش روی شما است، رساله کوچکی است درباره وضوء، غسل، و نماز
برحسب آنچه در کتاب خداوند و سنت رسول وی ﷺ آمده است.

وضوء

وضوء، طهارت واجبی است از حدث اصغر، همانند إدرار، مدفوع، بادشکم، خواب عمیق، و خوردن گوشت شتر.

چگونگی وضوء

- ۱ - شخص انجام وضوء را در قلب خود، وبدون بر زبان راندن آن نیت می کند. چون رسول خداوند ﷺ هرگز نه در وضوء، و نه در نماز، و نه در دیگر عبادات خود، نیت خویش را تلفظ ننموده وبر زبان نرانده است. ونیز به بیان دلیل که خداوند از امور قلبی همه مردم آگاه بوده، ودر نتیجه خبر دار نمودن او از امور قلبی دلیل وعلتی ندارد.
- ۲ - نام خداوند را برزبان رانده و می گوید: «بسم الله».
- ۳ - کف وپشت دست خود را سه بار می شوید.
- ۴ - سه بار دهان وبینی خود را می شوید.
- ۵ - صورت خود را در عرض از گوش تا گوش، ودر طول از محل روئیدن موی سر تا پائین ریش، سه بار می شوید.

- ۶ - آنگاه ابتدای دست راست، و سپس دست چپ خود را از سر انگشتان تا آرنج، هر کدام سه بار می‌شوید.
- ۷ - سرخود را یکبار مسح می‌کند. به این ترتیب که دو دست خود را خیس کرده، و آن را از جلوی سر تا پشت آن بر موها کشیده، و به همین حالت آنان را دوباره به جلوی سر بر می‌گرداند.
- ۸ - سپس دو گوش خود را یکبار مسح می‌کند. به این ترتیب که سبابه خود را در راهها و شیارهای گوش گذرانده، و با انگشت شست پشت گوش خود را پاک می‌کند.
- ۹ - آنگاه دو پای خود را هر کدام سه بار از سر انگشتان، تا قوزک پا می‌شوید، که در این عمل، اول از پای راست شروع می‌کند، و سپس به پای چپ می‌پردازد.

غسل

غسل طهارت واجبی است از حدث اکبر، همانند جنابت و حیض.

چگونگی غسل:

- ۱ - شخص انجام غسل را در قلب خود وبدون تلفظ آن نیت می‌کند.
- ۲ - آنگاه نام خداوند را ذکر کرده، می‌گوید: «بسم الله».
- ۳ - آنگاه همانگونه که در مبحث وضوء گفته شد، وضوء کاملی می‌گیرد.
- ۴ - سپس بر سر خود مقداری آب ریخته و آن را خوب خیس می‌کند، و پس از اینکه سرخود را خیس کرد، بر آن سه بار آب می‌ریزد.
- ۵ - آنگاه بقیه بدن خود را می‌شوید.

تیمم

تیمم، طهارت واجبی است با خاک که در صورت عدم دسترسی به آب، و یا بروز ضرر از استعمال آن، جای وضوء و غسل را می‌گیرد.

چگونگی تیمم:

انجام تیمم را به جای غسل و یا وضوء در دل نیت می‌کند، و کف دستان خود را بر زمین و یا دیواری که به زمین متصل است زده، و با آن صورت و سپس کف و پشت دو دست خود را مسح می‌کند.

نماز

نماز، عبادتی است دارای اقوال و افعال که با تکبیر شروع شده، و با تسلیم پایان می‌پذیرد.

بر شخص واجب است که در صورت اراده نماز، در صورت مبتلا بودن به حدث اصغر وضوء گرفته، و در صورت مبتلا بودن به حدث اکبر غسل کند. و در صورتی که آب در دسترس او نبوده و یا اینکه استفاده از آب باعث بروز ضرر گردد، به جای وضوء و غسل، تیمم می‌کند. شخص باید بدن، لباس، و مکان نماز خویش را از هرگونه نجاست پاک کند.

کیفیت نماز

- ۱ - شخص با تمام بدن خود و بدون انحراف و التفات، بسوی قبله می‌ایستد.
 - ۲ - نمازی را که می‌خواهد بخواند، در قلب خود و بدون تلفظ آن نیت می‌کند.
 - ۳ - سپس می‌گوید: «الله اکبر»، که این سخن به «تکبیره الاحرام» معروف است، و در هنگام گفتن آن دست‌های خود را تا مقابل شانه‌هایش بالا می‌آورد.
 - ۴ - آنگاه کف دست راست خویش را بر پشت کف دست چپ، و بر سینه می‌گذارد.
 - ۵ - پس از آن دعای استفتاح را می‌خواند که از این قرار است:
 «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي الثَّوْبُ الْاَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالسَّيِّدِ وَالْبَرْدِ».
- یا اینکه می‌گوید:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

۶ - سپس می گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

۷ - آنگاه پس از گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، سوره فاتحه را قرائت می کند و

می گوید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۴﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۵﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۶﴾﴾. و پس از آن می گوید: «آمین»، یعنی: «خداوندا إجابت کن».

۸ - سپس قسمتی از قرآن را می خواند. و در نماز صبح قرائتش را طولانی می کند.

۹ - آنگاه جهت تعظیم خداوند کمر خم کرده و با گفتن تکبیر به رکوع می رود، و هنگام گفتن تکبیر دست‌ها را تا مقابل شانه‌هایش بالا می آورد. سنت بر این است که شخص کمر خود را در حالت رکوع کاملاً صاف نگه داشته و سر خود را در امتداد آن قرار دهد و کف دستان خود را بر روی زانویش بگذارد و انگشتان دست‌هایش را به یکدیگر نچسباند.

۱۰ - و در رکوع خود سه بار می گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». و اگر این جمله را نیز به

آن اضافه کند، بسیار نیکو است: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

۱۱ - پس از آن با گفتن: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، سر از رکوع بر میدارد، و دستهای خود را

تا مقابل شانه‌هایش بالا می آورد. شخص مأموم (کسی که پشت سر امام نماز می خواند) مأمور به گفتن این جمله نیست، و به جای آن می گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ».

۱۲ - و پس از بالا آمدن از رکوع می گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ».

مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».

۱۳ - سپس در مقام خشوع در مقابل خداوند به سجده اول می‌رود، و هنگام سجودش می‌گوید: «الله اکبر». در هنگام سجود هفت عضو بدن بر زمین قرار می‌گیرند که از این قرارند: پیشانی با بینی، کف دو دست، دو زانو، و شکم انگشتان دویا. در این حالت بازوها از پهلو دور می‌شوند، و شخص نباید آرنج خود را بر زمین بچسباند. سر همه انگشتان دست و پا نیز بسوی قبله قرار می‌گیرند.

۱۴ - در سجود خود سه بار می‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». و اگر این ذکر را نیز به آن اضافه کند، کار خوبی انجام داده است: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

۱۵ - آنگاه با گفتن «الله اکبر» سر خود را از سجود بر میدارد و می‌نشیند.

۱۶ - این نشستن، به جلسه میان سجدتین معروف است و حالت آن نیز بدین گونه است: شخص پای چپ خود را از زانو تا می‌کند. و بر قدم پای چپش می‌نشیند. پای راست نیز از زانو تا می‌شود و شکم انگشتان پای راست بر زمین نصب می‌گردند. شخص دست راست خود را بر آن قسمت از ران راست که به طرف زانو است گذاشته، و انگشت کوچک خود و انگشت کناری آن را مشت می‌کند، و با انگشت شست و انگشت وسط حلقه‌ای می‌سازد. آنگاه سبابه را نیز به جلو بلند کرده، و هنگام دعا آن را حرکت می‌دهد. دست چپ نیز بر آن قسمت از ران چپ که به طرف زانو است قرار می‌گیرد، که البته آن را مشت نمی‌کند.

۱۷ - در این حالت نشستن می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي، وَاجْبُرْنِي، وَعَافِنِي».

۱۸ - آنگاه با گفتن: «الله اکبر»، خاشعانه به سجده دوم رفته، و اعمالی را که در سجده اول انجام داده بود، اینجا نیز انجام می‌دهد.

۱۹ - سپس با گفتن: «الله اکبر» برخاسته، و رکعت دوم را همانند رکعت اول بجای می‌آورد. فقط فرق آن این است که در رکعت دوم، دعای استفتاح خوانده نمی‌شود.

۲۰ - آنگاه پس از انتهای رکعت دوم با گفتن: «الله اکبر» همانند جلسه میان دو سجده می‌نشیند.

۲۱ - ودر این هیئت نشستن «تشهد» را که به این صورت است، می‌خواند:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

و پروردگارش را به هر آنچه از خیر دنیا و آخرت که بخواهد دعا می‌کند.

۲۲ - آنگاه بطرف راست خود سلام فرستاده و می‌گوید: «السلام علیکم ورحمة الله».

وهمچنین بطرف چپ خویش این سلام را می‌فرستد.

۲۳ - و اگر نماز سه رکعتی و یا چهار رکعتی بود. در انتهای تشهد یعنی: «...أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». دعا را قطع می‌کند.

۲۴ - آنگاه با گفتن «الله اکبر» برخاسته و قائم می‌شود، ودر این هنگام دست‌هایش را تا مقابل شانه‌هایش بالا می‌برد.

۲۵ - سپس بقیه نماز را همانند رکعت دوم بجای می‌آورد. اما در قرائت خود فقط سوره فاتحه را خوانده و بدان اکتفا می‌کند.

۲۶ - سپس بحالت «تورک» می‌نشیند. یعنی پای راست خود را تا کرده، و کف انگشتان پای راست را بر زمین می‌گذارد، و قدم چپش را از زیر ساق پای راست

گذرانیده، و نشیمنگاه خود را بر زمین می‌گذارد، و همانند تشهد اول دست‌های خود را بر رانهایش می‌گذارد.

۲۷- و در این حالت نشستن تشهد را به صورت کامل قرائت می‌کند.

۲۸- آنگاه بطرف راستش سلام می‌فرستد و می‌گوید:

«السلام علیکم ورحمة الله»، و سپس به همین صورت به طرف چپ خود سلام می‌فرستد.

امور مکروه در نماز

۱- ملتفت شدن به این طرف و آن طرف، با سر و یا چشم در نماز مکروه می‌باشد. اما نظر انداختن به آسمان حرام است.

۲- انجام حرکتهای غیر ضروری در نماز کراهت دارد.

۳- به همراه داشتن شیئی که انسان را در نماز بخود مشغول کند، همانند چیزی که وزن داشته و یا رنگارنگ باشد، که در این صورت شخص را به خود جلب می‌کند.

۴- «تخصر» یا گذاشتن دست‌ها بر روی خاصره یا تهیگاه.

اموری که نماز را باطل می‌کند

۱- سخن گفتن از روی عمد، حتی اگر مقدار آن کم باشد.

۲- منحرف شدن از قبله با تمامی بدن.

۳- خروج باد از مقعد شخص، و هر آن چیزی که باعث انجام وضوء و یا غسل می‌گردد.

۴- انجام حرکات زیاد و متوالی و غیر ضروری.

۵- خنده در نماز، حتی، اگر بسیار کم باشد.

۶- اضافه کردن رکوع، سجود، قیام، و یا نشستنی به حرکات نماز به صورت عمد.

۷- سبقت گرفتن از امام در انجام حرکات نماز به صورت عمد.

مسائل در احکام سجود سهو در نماز

۱ - در صورتی که شخص در نماز دچار سهو شده و اشتباه رکوع، سجود، قیام و یا نشستنی بر آن بیافزاید، پس از سلام دادن دوبار سجده نموده و دوباره سلام می‌دهد. مثلاً: اگر شخص مشغول ادای نماز ظهر بود، و برای رکعت پنجم برخاست، و سپس به او این مسئله گوشزد شده و یا خود او متوجه آن شد، بدون گفتن تکبیر می‌نشیند، و تشهد اخیر را به پایان می‌برد و سلام می‌دهد. آنگاه دوبار سجده سهو نموده و دوباره سلام می‌دهد.

و همچنین اگر تا پس از سلام دادن به این اشتباه خود آگاه نشد نیز به همان صورت دوبار سجده سهو کرده و دو باره سلام می‌دهد.

۲ - اگر قبل از اتمام نمازش سلام بدهد، و این امر در مدتی نزدیک و نه چندان طولانی یعنی به اندازه‌ای که بتواند بقیه نمازش را به آن بیافزاید به او گوشزد شده، و یا خودش متوجه آن گردد، آنچه از نمازش را که باقی مانده است به پایان برده، سجده سهو نموده، و سپس سلام می‌دهد.

مثلاً: اگر شخص به ادای نماز ظهر مشغول بود، و در نتیجه سهو در انتهای رکعت سوم سلام داد، و این اشتباه به او گوشزد شده، و یا خودش متوجه آن گردید، باید برخاسته و رکعت چهارم را به جای آورد، و پس از انتهای تشهد دوبار سجده سهو نموده، و پس از آن سلام دهد. و اگر پس از گذشت مدتی طولانی این اشتباه را بیاد آورد، باید همه نمازش را از اول بخواند.

۳ - در صورتی که شخص تشهد اول و یا دیگر واجبات نماز را فراموش کند، قبل از سلام دو بار سجده سهو می‌کند، و نمازش درست است. و در صورتی که یکی از این واجبات فراموش شده را قبل از انتقال از محل آن ورود به حرکت بعدی بیاد آورد، آن را انجام می‌دهد، و بر او هیچ اشکالی وارد نیست. و در صورتی که این واجب فراموش

شده را پس از انتقال از محل آن و قبل از رسیدن به حرکت بعدی بیاد آورد، به حرکت قبلی برگشته و آن را انجام می‌دهد.

مثلاً: در صورتی که شخص، انجام تشهد اول را فراموش کند، ولی قبل از قیام آن را بیاد آورد، پس تشهدش را می‌خواند و بقیه نماز را به صورت طبیعی آن ادامه می‌دهد، و هیچ امری بر او نیست و در صورتی که انجام تشهد را فراموش کرده و برای قیام برخیزد، اما قبل از قائم شدن کامل بدن آن را بیاد آورد، برگشته و تشهد را می‌خواند و بقیه نماز را ادامه می‌دهد. اما اهل علم عقیده دارند که این شخص باید قبل از سلام، دوبار سجده سهو کند. و این مسئله به این خاطر است که قیام ناقصی به نماز او اضافه شده است. والله أعلم.

۴ - در صورتی که شخص مشکوک باشد که آیا دو رکعت از نماز را به جای آورده، و یا اینکه سه رکعت آن را انجام داده است، و هیچکدام از این دو احتمال نزد او بر دیگری برتری نداشته باشد، پس باید شک خود را به یقین تبدیل کند. بدین صورت که همواره بر عدد کمتر یقین می‌کند، و آنگاه در انتهای نماز و قبل از سلام دوباره سجده سهو می‌کند. مثلاً: اگر شخص مشغول ادای نماز ظهر باشد، و در رکعت دوم خود شک کند، یعنی اینکه نداند که هم اکنون در رکعت دوم است یا رکعت سوم، و هیچ کدام از این دو احتمال در ذهنش بر دیگری برتری نیابد، باید به عدد کمتر که همان رکعت دوم است یقین کرده و بقیه نماز را بر این مبنا ادامه دهد. و در انتهای نماز و قبل از سلام دوبار سجده سهو کند.

۵ - اگر شخص در تعداد رکعاتی که ادا کرده است مشکوک باشد، و نداند که مثلاً دو رکعت را ادا کرده است، و یا اینکه سه رکعت را به انجام رسانیده است، اما یکی از این دو احتمال را بر دیگری برتری دهد، آنگاه است که باید بر احتمال أرجح یقین کند. خواه این احتمال عدد کمتر باشد، یا بیشتر. و پس از سلام دوبار سجده سهو نموده و دو باره سلام می‌دهد.

در رکعت دوم خود مشکوک شد که آیا این رکعت، رکعت دوم است یا سوم، اما نزد او این احتمال که این رکعت، رکعت سوم است، بر احتمال دیگر ارجحیت داشت، در نتیجه بر این احتمال دیگر ارجحیتی رکعت سوم یقین نموده و بقیه نمازش را بر همین مبنا ادامه می‌دهد. آنگاه پس از سلام دوبار سجده سهو نموده و دوباره سلام می‌دهد. و در صورتی که پس از اتمام نماز مشکوک شد، به این شک هیچ توجهی نمی‌کند، مگر اینکه در مورد اشتباهی یقین حاصل کند. و اگر این شخص فردی بود کثیرالشک (کسی که زیاد شک می‌کند)، پس نباید به این شک خود وقعه‌ای نهاده و برای آن ارزشی قائل گردد. چون این شک از روی وسواس است.

والله أعلم، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه

چگونگی طهارت شخص بیمار

- ۱ - شخص بیمار باید عمل طهارت را با آب انجام دهد. در نتیجه برای رفع حدث اصغر وضوء گرفته، و جهت رفع حدث اکبر غسل می‌کند.
- ۲ - واگر بعلت عجز، ویا ترس از بیشتر شدن بیماری، ویا خوف از کندی بهبودی نمی‌توانست با آب طهارت بگیرد، پس باید تیمم کند.
- ۳ - کیفیت تیمم به این صورت است که با کف دست‌های خود بر زمین طاهر یکبار ضربه زده، و با آن همه صورت خود را مسح کند، و سپس کف و پشت دست‌هایش را با یکدیگر مسح کند.
- ۴ - اگر شخص از طهارت خودش عاجز بود، پس باید شخص دیگری او را وضوء و یا تیمم دهد.
- ۵ - اگر در قسمتهائی از اعضای طهارت زخم و جرح وجود داشت، آن را با آب می‌شوید. و اگر شستن با آب باعث وخامت زخم شود، باید دست خود را با آب ترکرده، و با آن روی زخم مسح کند. و اگر مسح کردن نیز باعث عفونت زخم می‌شد، پس باید تیمم کند.
- ۶ - اگر در بعضی از اعضای طهارت شکستگی وجود داشت، و محل این شکستگی با گچ ویا پارچه پوشیده شده بود، باید به جای شستن این اماکن، آن را با آب مسح کند، و هیچ احتیاجی به تیمم نیست. چون مسح جای شستن را می‌گیرد.
- ۷ - شخص می‌تواند بر دیوار ویا هرچیز طاهر دیگری که بر آن گرد نشسته است تیمم کند. و اگر دیوار بوسیله چیزی همانند رنگ که از جنس زمین نیست پوشیده شده باشد، نمی‌توان بر آن تیمم کرد، مگر اینکه بر آن گرد نشسته باشد.

- ۸- اگر تیمم گرفتن بر زمین، دیوار، و یا هر چیز دیگری که بر آن گرد نشسته است غیرممکن بود، میتوان خاک را در ظرف و یا دستمالی نگهداری کرده، و با آن تیمم نمود.
- ۹- در صورتی که شخص برای ادای نماز تیمم نموده و تا نماز بعدی بر این طهارت باقی بماند، می‌تواند به همین تیمم اکتفا نموده و نماز بعدی را نیز به همین تیمم ادا کند، و احتیاجی به تیمم دوباره ندارد. چون او هنوز بر طهارت خود باقی بوده، و این طهارت باطل نشده است.
- ۱۰- بر شخص بیمار واجب است که بدن خود را از نجاست طاهر کند. و اگر بر انجام طهارت توانائی نداشت، به همان حالت نماز می‌خواند و نمازش صحیح بوده و احتیاجی به اعاده آن نیست.
- ۱۱- بر مریض واجب است که با لباسی طاهر نماز بخواند. و در صورت نجاست لباسش باید آن را شسته و یا با لباس طاهری عوض کند. و اگر این امر نیز امکان نداشت به همان حالت نماز می‌خواند، و نماز او صحیح بوده و احتیاجی به اعاده آن نیست.
- ۱۲- شخص بیمار باید در مکان طاهری نماز بخواند. و در صورت نجاست این مکان یا شیئی باید آنجا را شسته، و یا آن شیئی را با شیئی طاهر دیگری عوض کند. یا اینکه باید بر آن، دستمال، و یا شیئی طاهر دیگری فرش کرد. و اگر این امور امکان نداشت، به همان صورت نماز می‌خواند، و نماز او هیچ اشکالی ندارد، و احتیاجی به اعاده نماز نیست.
- ۱۳- شخص بیمار نمی‌تواند به دلیل عجز از طهارت، نماز خود را از وقت محدد آن عقب بیاورد. بلکه بقدر امکان طهارت گرفته و نماز را در وقت خود ادا می‌کند. حتی اگر در بدن، لباس، و مکان نمازش نجاستی باشد که قادر به زودودن آن نیست.

کیفیت نماز گزاردن شخص بیمار

- ۱- بر شخص بیمار واجب است که نماز فریضه را ایستاده بخواند. حتی اگر که در این حالت کج شده و بر دیوار، عصا، و یا هر چیز دیگری تکیه زند.

- ۲- پس در صورتی که نتواند به صورت ایستاده نماز را ادا کند، می‌تواند بنشیند. و بهتر است که در این حالت در هنگام قیام و رکوع چهار زانو بنشیند.
- ۳- واگر نماز خواندن به صورت نشسته نیز برایش امکان نداشت، به پهلو و رو به قبله نماز می‌خواند، که در این صورت بهتر است که بر پهلو راست خود بخوابد. واگر نتوانست رو به قبله نماز بخواند، به هرجهتی که می‌تواند نماز گزارده، و نمازش صحیح است و هیچ احتیاجی به اعاده آن نیست.
- ۴- واگر نماز گزاردن به پهلو نیز برای او غیر ممکن بود، به کمر خوابیده، پاهای خود را متوجه قبله می‌کند. و بهتر است که در این حالت، سر خود را کمی بلند کند، تا نگاهش متوجه قبله باشد. واگر برای او امکان نداشت که پاهایش را متوجه قبله کند، به هر حالتی که هست نماز گزارده، و نمازش صحیح است، و هیچ احتیاجی به اعاده ندارد.
- ۵- بر بیمار واجب است که در نماز خود، رکوع و سجود کند. و در صورت عدم توانایی، این اعمال را با حرکت و اشاره سرش انجام می‌دهد، که در حالت سجود، سر خود را پائینتر از حالت رکوع قرار می‌دهد. واگر شخص می‌توانست رکوع کند و از سجود عاجز بود، در هنگام رکوع، رکوع خود را انجام داده، و در هنگام سجود با سر خود به سجود اشاره می‌کند، و در صورتیکه شخص می‌توانست به سجود برود، اما از رکوع عاجز بود، در هنگام سجود، سجده کرده، و در هنگام رکوع با سر خود به رکوع اشاره می‌کند.
- ۶- واگر اشاره کردن به سر نیز در هنگام رکوع و سجود برایش غیر ممکن بود، با چشمان خود به این اعمال اشاره می‌کند. پس برای رکوع کمی چشمان خود را بر هم گذاشته، و برای سجود چشمان خود را بیشتر می‌بندد. و اما اشاره کردن با انگشتان دست در هنگام سجود و رکوع که برخی از بیماران آن را انجام می‌دهند، هرگز صحیح نبوده، و در کتاب و سنت هیچ اصل و نشانی از آن نمی‌شناسیم. و اهل علم نیز بدان اشاره‌ای نکرده‌اند.

۷- واگر اشاره کردن به سر و چشم نیز برای بیمار امکان نداشت، به قلب خود نماز می خواند. در نتیجه تکبیر گفته و آیات را قرائت می کند، و سجود، رکوع، قیام و قعود (نشستن) را به قلب خود نیت می کند. «ولکل امریء ما نوى».

۸- بر شخص بیمار واجب است که همه نمازها را در اوقات محدود خود بخواند، و همه واجبات آن را تا حد استطاعت انجام دهد. واگر به جای آوردن نمازها در وقت مکتوب آن برایش با مشقت همراه بود، می تواند بین نمازهای ظهر و عصر، و هم چنین مغرب و عشاء جمع بسته و این نمازها را به صورت جمع بخواند. در نتیجه این نمازها یا بصورت «جمع تقدیم» خوانده می شوند، یعنی نماز عصر را پس از نماز ظهر و در وقت نماز ظهر، و نماز عشاء را پس از نماز مغرب، و در وقت نماز مغرب ادا می کند. و یا اینکه این نمازها را بصورت «جمع تأخیر» می خواند. یعنی نماز ظهر را قبل از نماز عصر، و در وقت نماز عصر، و نماز مغرب را قبل از نماز عشاء، و در وقت نماز عشاء به جای می آورد. و باید شخص ببیند که کدامیک از این حالات جمع برای او راحت تر می باشد.

اما نماز صبح را نمی توان به صورت جمع با نمازهای دیگر خواند.

۹- در صورتیکه شخص بیمار مسافر بوده و برای معالجه به دیار دیگری غیر از شهر خود مسافرت کرده باشد، باید نمازهای چهار رکعتی را به صورت «قصر» بخواند. یعنی نمازهای ظهر، عصر، و عشاء را به جای چهار رکعت، دو رکعت ادا می کند، تا اینکه به شهر خود باز گردد. حال خواه این سفر طولانی و یا کوتاه باشد.

والله الموفق

نوشته فقیر الی الله

محمد الصالح العثیمین